

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(( سوالات درس ۹ فلسفه یازدهم - چیستی انسان \_ ))

(( علی طلائی ))

(( سوالات تشریحی ))		**
۱	انسان شناسی فلسفی به کدام مسائل مهم و بنیادین درباره انسان می پردازد؟	
۲	کدام واژه به جای انسان شناسی استفاده می شود و به چه معانی به کار می رود؟	
۳	خودشناسی به معنای شناخت هرکس از خود و ویژگی های خودش بیشتر در کدام مباحث کاربرد دارند؟	
۴	نظر دقیق و روشن درباره انسان اولین بار توسط کدام فیلسوف در دوره یونان باستان ابراز شد؟	
۵	مجموعه آثار کدام فیلسوف یونان باستان، منعکس کننده اندیشه های سقراط هست؟	
۶	نظر افلاطون درباره حقیقت انسان چیست؟	
۷	به عقیده افلاطون با ارزش ترین دارایی انسان چیست؟ و چرا باید مراقبت از آن وظیفه هر انسانی باشد؟	
۸	از نظر افلاطون حقیقت برتر انسان کدام است و چه ویژگی هایی دارد؟	
۹	ارسطو شاگرد چه کسی بود و درباره نفس، کدام نظر استادش را پذیرفت؟	
۱۰	از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، چه حالتی دارد؟ چگونه کامل می شود؟	
۱۱	به نظر ارسطو انسان با کدام قوه استدلال می کند و مقصود از ناطق بودن انسان چیست؟	
۱۲	معنی این عبارت ارسطو که «انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند»، چیست؟	

۱۳	در دوره جدید اروپا، از جهت انسان شناسی دو تلقی و جریان پیدا شد، در این باره توضیح دهید.
۱۴	دکارت در مورد بدن چه نظری دارد؟ منظور از « من » در فلسفه دکارت چیست؟ چه ویژگی دارد؟
۱۵	کانت، فیلسوف قرن هجدهم، با چه استدلالی به اثبات حقیقت نفسانی انسان پرداخت؟
۱۶	فیلسوفان عقل گرایی مانند دکارت و کانت درباره حقیقت انسان چه نظری دارند؟
۱۷	نام دو فیلسوف دوره جدید اروپا که معتقد به وجود نفس بودند را ذکر کنید.
۱۸	به کدام فیلسوفان ماتریالیست گفته می شود؟ دیدگاه آنها در مورد انسان چیست؟
۱۹	توماس هابز که بود و چه دیدگاهی درباره ذهن بشر داشت؟
۲۰	مارکس که بود و چه دیدگاهی درباره ذهن بشر داشت؟
۲۱	به کدام فیلسوفان داروینیست گفته می شود؟ دیدگاه داروینیست ها در مورد انسان چیست؟
۲۲	نام دو فیلسوف ماتریالیست دوره جدید اروپا را ذکر کنید.
۲۳	به عقیده داروینیست ها تفاوت انسان و حیوان در چیست؟
۲۴	چرا به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها نمی توان برای انسان ارزش قائل شد؟
۲۵	به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی چیست؟
۲۶	کدام فیلسوفان معتقد به تک ساحتی بودن انسان هستند؟

**(( سوالات جای خالی ))**

**\*\***

۱ انسان شناسی فلسفی یعنی .....درباره انسان .

۲ انسان شناسی فلسفی شاخه ای از.....است .

۳ گاهی به جای «انسان شناسی» از واژه ی.....استفاده می شود .

۴ وقتی «خود» در معنای ..... به کار رود، خود شناسی معادل همان انسان شناسی است .

۵ درس ۹ بحث در باره حقیقت و چیستی انسان از دیدگاه ..... است .

۶ وقتی خود شناسی به معنای شناخت هر کس از ویژگی ها و خصلت های خودش باشد، خودشناسی بیشتر در ..... و ..... کاربرد دارد .

۷ فیلسوفان در باره انسان نظرات مختلف و گاه.....دارند .

۸ به نظر ارسطو انسان در.....با سایر حیوانات مشترک است؟

۹ انسان با سایر حیوانات در ویژگی هایی مانند.....و.....مشترک است .

۱۰ به اعتقاد ارسطو انسان یک فصل ممیّز و جداکننده از سایر حیوانات به نام.....و.....دارد .

۱۱ ارسطو معتقد بود «نطق یا تفکر» مربوط به بعد غیر مادی انسان یعنی.....است .

۱۲ ارسطو در کتاب «در باره ی نفس» .....را مربوط به نفس می دانست و معتقد بود بدن از آن جهت زنده است که متصل به نفس است .

۱۳ ارسطو برای انسان دو بعد .....و.....قائل بود .

۱۴	ارسطو به وجود.....درو وجود انسان معتقد بود .
۱۵	دکارت معتقد به .....نفس و بدن بود .
۱۶	دکارت به وجود.....اعتقاد داشت و آن را .....از بدن می دانست .
۱۷	دکارت می گوید: «منظور از من، همان.....» .
۱۸	پایه تفکرات عقلانی .....جمله ی مشهور « من فکر می کنم پس هستم» می باشد .
۱۹	ماتریالیست ها معتقدند هر چیز، از جمله انسان از نوعی.....ساخته شده است .
۲۰	به نظر ماتریالیست ها.....تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کند و به یکدیگر مرتبط می سازد .
۲۱	داروین با پژوهش بر روی فسیل ها باقی مانده از حیوانات نظریه ای تحت عنوان.....ارائه داد .
۲۲	داروین می کوشید بر اساس شواهد.....مسیر پیدایش موجودات زنده را از یکدیگر ترسیم کند .
۲۳	ابن سینا نظر .....را در رابطه با <b>حقیقت انسان</b> پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید .
۲۴	«آگزیستانسیالیسم» یا باور به .....عنوانی برای وجه مشترک دیدگاه های متفاوت فیلسوفان مشخصی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است .
۲۵	محور پژوهش های مکتب آگزیستانسیالیسم، .....است بنابراین این به <b>مکتب اصالت وجود</b> شهرت یافته است .
۲۶	«چیستی نامتعین» نظریه ی .....در باره حقیقت انسان است .

۲۷	حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی.....است .
۲۸	از دیدگاه حکمت متعالیه انسان حقیقتی .....است .
۲۹	از نظر حکمت متعالیه .....آخرین درجه ی تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند .
۳۰	دیدگاه صدرائیان با دیدگاه.....نزدیکی زیادی دارد .
**	<b>(( سوالات تستی ))</b>
۱	<p>نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب .... ابراز شد و .... ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند .</p> <p>۱ ( افلاطون - مارکس  ۲ ( ارسطو - هابز  ۳ ( ارسطو - مارکس  ۴ ( افلاطون - هابز</p>
۲	<p>نظر ارسطو در مورد نفس ..... نظر افلاطون است و کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت .... بود، به اثبات حقیقت - نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت .</p> <p>۱ ( موافق - مشابه  ۲ ( مخالف - متفاوت  ۳ ( مخالف - متفاوت  ۴ ( موافق - متفاوت</p>
۳	<p>کدام گزینه در مورد نفس نزد جریان تجربه گرا درست نیست؟</p> <p>۱ ( اصولاً وجود د نفس، را انکار می کنند .  ۲ ( نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند .  ۳ ( اصولاً نفس را مرکز اندیشه های بشر می دانند .  ۴ ( نفس را از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند .</p>
۴	<p>مفهوم «من»، نزد دکارت بیانگر ... است که مرکز ..... ما است .</p> <p>۱ ( ذهن - اندیشه های  ۲ ( نفس - اراده های  ۳ ( ذهن - اراده های  ۴ ( نفس - اندیشه های</p>
۵	<p>کدام مطلب بر دوگانگی ذهن و بدن نزد دکارت دقیق تر اشاره می کند؟</p> <p>۱ ( ذهن تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کنند و به یکدیگر مرتبط می سازند .  ۲ ( ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملاً از یکدیگر مجزا هستند .  ۳ ( هم ذهن و هم بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیستند .  ۴ ( ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند اما کاملاً از یکدیگر مجزا نیستند .</p>

۶	<p><b>کدام گزینه در مورد فلسفه ماتریالیسم درست نیست؟</b></p> <p>۱) من همان ذهن است که مجموعه ای از سلول های مغزی است که فعالیت اثبات، قضاوت و جمع کردن افکار را به عهده دارد .</p> <p>۲) انسان نهایتا مانند یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن .</p> <p>۳) میان انسان و رایانه تفاوت حقیقی ای وجود ندارد؛ تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی شان است .</p> <p>۴) براساس اعتقاد به ماده انسان را نوعی ماشین می داند .</p>
۷	<p><b>عبارت «انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت»، نظر کدام مکتب فلسفی است؟</b></p> <p>۱) مکتب آگزیستانسیالیست .</p> <p>۲) مکتب ماتریالیسم .</p> <p>۳) مکتب داروینیست .</p> <p>۴) مکتب دکارتی .</p>
۸	<p><b>از دیدگاه داروینیست چه چیزی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است؟</b></p> <p>۱) فضیلت گرایی فطری .</p> <p>۲) ویژگی های متمایز روحی .</p> <p>۳) تمایلات فطری .</p> <p>۴) زیست اجتماعی .</p>
۹	<p><b>محتوای کدام عبارت با نظریه داروینیست در مورد انسان سازگار است؟</b></p> <p>۱) چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد .</p> <p>۲) اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل است که فضیلت گرایی در نهاد و فطرت او وجود دارد .</p> <p>۳) هرچند فضیلت گرایی در نهاد انسان نیست اما وی ناچار، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده نشده است.</p> <p>۴) این نظریه که زیست اجتماعی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است، درست نیست .</p>
۱۰	<p><b>کدام گزینه پیرامون نشریه ارسطو درباره نفس درست نیست؟</b></p> <p>۱) انسان از لحاظ منطقی در جنسها سایر حیوانات مشترک است .</p> <p>۲) انسان درارای ویژگی های حیوانات نیز هست .</p> <p>۳) انسان نطق خود را از طریق تفکر و استدلال به دیگران منتقل می کند .</p> <p>۴) نطق مربوط به بعد غیرمادی وجود انسان است .</p>
۱۱	<p><b>کدام موارد به ترتیب بیانگر اشتراک و شباهت نظر ابن سینا با ارسطو و با عارفان پیرامون چیستی انسان است؟</b></p> <p>۱) وجود بعد غیر مادی در انسان - طایر روح روزی به سر منزل نخستین بازمی گردد .</p> <p>۲) حیات حقیقی از آن نفس آدمی است - طایر روح روزی به سر منزل نخستین بازمی گردد .</p> <p>۳) وجود بعد غیرمادی در انسان - انسان خلق شده است تا مظهر خداوند در خلقت باشد .</p> <p>۴) حیات حقیقی از آن نفس آدمی است - انسان خلق شده است تا مظهر خداوند در خلقت باشد .</p>
۱۲	<p><b>اعتقاد به اینکه زندگی در اجتماع، انسان را وادار به رعایت اخلاقیات کرده، به صاحبان کدام مکتب مربوط می شود؟</b></p> <p>۱) داروینیست ها .</p> <p>۲) آگزیستانسیالیست های اروپایی .</p> <p>۳) پراگماتیست ها .</p> <p>۴) پوزیتیویست ها .</p>

۱۳	<p>کدام یک از رویکردهای زیر، بسیار نزدیک است به خودشناسی در علم اخلاق؟</p> <p>۱) رویکرد ابن سینا .          ۲) رویکرد آگزیستانسیالیسم .          ۳) دیدگاه ماتریالیست ها .          ۴) دیدگاه انسان هم ردیف حیوان .</p>
۱۴	<p>کدام گزینه مفهومی نزدیک به قصیده عینیه ابن سینا ندارد؟</p> <p>۱) کز نیستان مرا بیریده اند / از نفیرم مرد و زن نالیده اند          ۲) ما ز دریاییم و دریا می رویم / ما ز بالاییم و بالا می رویم          ۳) ما به فلک بوده ایم، یار ملک بوده ایم / باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست          ۴) هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من</p>
۱۵	<p>جمله معروف «من می اندیشم، پس هستم» از آن چه کسی است و در کدام کتاب وی بیان شده است؟</p> <p>۱) کانت - تأملات .          ۲) دکارت - تأملات .          ۳) کانت - سنجش خرد ناب .          ۴) دکارت - سنجش خرد ناب .</p>
**	<p><b>(( سوالات کنکوری ))</b></p>
۱	<p>با توجه به نظرات افلاطون در مورد انسان و حقیقت او، کدام عبارت پذیرفتنی است؟ (کنکور مرحله اول ۱۴۰۲)</p> <p>۱) هر موجود زنده و دارای نفس، یک جزء نامرئی به نام عقل دارد .          ۲) نفس انسان در هنگام تولد تحقق ندارد، بلکه به تدریج ایجاد شده و به فعلیت می رسد .          ۳) درک این مطلب که «یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد» به نفس انسانی مربوط است .          ۴) از میان موجودات، فقط انسان دارای حقیقت برتری است که محدودیت های ماده را ندارد .</p>
۲	<p>موضوع انسان شناسی فلسفی کدام است؟ (کنکور سراسری ۱۴۰۱)</p> <p>۱) «خود» به معنای آن چه که هرکی از خود در می باید .          ۲) ماهیت تفکر، به عنوان عالی ترین ویژگی آنان .          ۳) چیستی انسان و جایگاه او در عالم هستی .          ۴) روان به عنوان منشاء احساسات و رفتارها .</p>
۳	<p>کدام عبارت درست است؟ (کنکور خارج کشور ۱۴۰۱)</p> <p>۱) از نظر افلاطون نفس با ارزش ترین دارایی انسان و جزئی از عقل او است که قابل روئیت نیست .          ۲) کانت و دکارت در این امر اتفاق نظر دارند که نفس انسان از قوانین فیزیکی تبعیت نمی کند .          ۳) وجه مشترک هابز و دکارت در انسان شناسی این است که هر دو، انسان را یک ماشین پیچیده می دانند .          ۴) داروینیست ها نظریه داروین را در مورد منشاء پیدایش حیات پذیرفته و بنابراین رعایت اصول اخلاقی را ضروری نمی دانند .</p>
۴	<p>پروانه و دوستش درباره موضوعی با هم گفتگو می کنند. پروانه به دوستش می گوید من برخلاف ارسطو معتقدم انسان یعنی موجود اخلاقی، موضوع این سخن پروانه و دوستش کدام است؟ (کنکور سراسری ۱۴۰۰)</p> <p>۱) مسائل اخلاقی .          ۲) فلسفه اخلاق .          ۳) موجودیت انسان .          ۴) حقیقت انسان .</p>

توضیح تأثیر متقابل روح و جسم بنا بر دیدگاه کدامیک مشکل‌تر است؟ (کنکور خارج کشور ۱۴۰۰)

(۱) ملاصدرا .

(۲) دکارت .

(۳) داروینیست‌ها .

(۴) ماتریالیست‌ها .

(( با تشکر از همراهی شما دوستان عزیز ))

(( پاسخنامه در صفحه بعد قرار دارد ))

(( علی طلائی ))

@power2020



## (( پاسخنامه سوالات ))

**	(( پاسخنامه سوالات تشریحی ))
۱	این شاخه از فلسفه به مسائل مهم و بنیادین درباره انسان، از قبیل چیستی انسان، جایگاه او در جهان، آینده وی و نیز ویژگی های متمایز انسان و هویت انسانی او می پردازد .
۲	گاهی به جای انسان شناسی از واژه «خودشناسی» استفاده می شود؛ خودشناسی گاه به معنی شناخت هرکس از خود و ویژگی ها و خصلت های خودش به کار می رود؛ و گاه مقصود از «خود» همان حقیقت انسانی است؛ وقتی «خود» در معنای حقیقت انسانی به کار برود خودشناسی معادل همان انسان شناسی خواهد بود .
۳	بیشتر در مباحث تربیتی کاربرد دارد .
۴	اولین بار از جانب افلاطون ابراز شد و از آنجا که مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های سقراط نیز هست، میتوان گفت که دیدگاه افلاطون، به میزان زیادی، منعکس کننده دیدگاه استاد وی، سقراط نیز هست .
۵	افلاطون .
۶	افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد. این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست. او می گوید: «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است» او همچنین می گوید: «نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است» .
۷	از نظر افلاطون، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد .
۸	نفس . ۱- محدودیت های بدن را ندارد . ۲- قابل رؤیت نیست (نامرئی است) . ۳- تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است . ۴- انسان را از حیوانات متمایز می کند . ۵- غیر فانی و جاوید است .
۹	افلاطون/ ارسطو نظر استاد خود را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. بدن بدون نفس، یک موجود مرده است .
۱۰	حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت» می رسد و کامل و کامل تر می شود .
۱۱	« ناطق» بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند .
۱۲	یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می گیرد و استدلال را سامان می دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید .

۱۳	یک جریان، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود نفس یا روح اند و برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می دانند. جریان دیگر، به این سو تمایل دارند که یا اصولاً وجود نفس را انکار کنند و انسان را یک موجود مادی بدانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار آورند.
۱۴	دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر وی «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. این روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.
۱۵	کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او از این راه، نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد و گفت که انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.
۱۶	آنها معتقد اند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.
۱۷	دکارت و کانت.
۱۸	ماتریالیست ها دسته ای از فیلسوفان هستند که می گویند همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. آنان می گویند ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.
۱۹	یکی از ماتریالیست های اولیه بود که در قرن هفدهم در انگلستان می زیست. او ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.
۲۰	مارکس، فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم بود. او انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.
۲۱	داروینیست ها که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز به جز پیچیدگی بیشتر، تفاوت حقیقی با آنها ندارد.
۲۲	توماس هابز و مارکس.
۲۳	به نظر آنها انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است. (انسان به جز پیچیدگی بیشتر، تفاوت حقیقی با آنها ندارد)
۲۴	از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
۲۵	به اعتقاد آنها اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می کند، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۲۶	ماتریالیست ها و داروینیست ها .
**	(( پاسخنامه سوالات جای خالی ))
۱	تفکر فلسفی .
۲	فلسفه .
۳	خود شناسی .
۴	حقیقت انسانی .
۵	فیلسوفان .
۶	مباحث اخلاق - تربیت .
۷	متضادی .
۸	جنس .
۹	غریزه - احساس و ادراکات حسی .
۱۰	نطق - تفکر .
۱۱	روح .
۱۲	حیات و زنده بودن .
۱۳	مادی و غیر مادی .
۱۴	روح .
۱۵	دوگانگی .
۱۶	ذهن - جدای .
۱۷	ذهن .
۱۸	دکارت .
۱۹	ماده .
۲۰	ذهن .
۲۱	تحول تدریجی انواع .
۲۲	تجربی .
۲۳	ارسطو .
۲۴	اصالت وجود .
۲۵	انسان .
۲۶	اگزیستانسیالیست ها .
۲۷	ملا صدرا .

۲۸	دو بُعدی .
۲۹	روح انسان .
۳۰	عرفا .
**	<b>(( پاسخنامه سوالات تستی ))</b>
۱	گزینه : ۴
۲	گزینه : ۴
۳	گزینه : ۳
۴	گزینه : ۴
۵	گزینه : ۲
۶	گزینه : ۱
۷	گزینه : ۳
۸	گزینه : ۴
۹	گزینه : ۱
۱۰	گزینه : ۳
۱۱	گزینه : ۱
۱۲	گزینه : ۱
۱۳	گزینه : ۴
۱۴	گزینه : ۴
۱۵	گزینه : ۲
**	<b>(( پاسخنامه سوالات کنکوری ))</b>
۱	<p><b>پاسخ : گزینه ۳</b></p> <p><b>بررسی سایر گزینه‌ها :</b></p> <p>گزینه ۱: اول اینکه سخن افلاطون در متن کتاب این گونه آمده است: «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است» و نه «هر موجود زنده و دارای نفس، یک جزء نامرئی به نام عقل دارد.» به تفاوت این دو عبارت خوب توجه کنید. دوم اینکه؛ عقل مختص انسان است. و نمی‌توان گفت که هر موجود زنده، عقل دارد .</p> <p>گزینه ۲: بیانگر دیدگاه افلاطون نیست. از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر .</p> <p>گزینه ۴: درست است که انسان دارای حقیقت برتری است که محدودیت‌های ماده را ندارد.. اما این ویژگی مختص انسان نیست و کلمه (فقط) دلیل نادرستی آن است .</p>
۲	<p><b>پاسخ : گزینه ۳</b>: یک بخش از مباحث مربوط به فلسفه، تفکر فلسفی درباره انسان یا «انسان‌شناسی فلسفی» است. این شاخه از فلسفه به مسائل مهم و بنیادین درباره انسان، از قبیل چیستی انسان، جایگاه او در جهان، آینده وی و نیز ویژگی‌های متمایز انسان و هویت انسانی او می‌پردازد .</p> <p><b>بررسی سایر گزینه‌ها :</b></p> <p>گزینه ۱: گاهی به جای «انسان‌شناسی» از واژه «خودشناسی» استفاده می‌شود؛ باید توجه کنیم که «خودشناسی» گاه به معنی شناخت هرکس از خود و ویژگی‌ها و خصلت‌های خودش به کار می‌رود؛ معنای اخیر بیشتر در مباحث تربیتی کاربرد دارد. اما اگر مقصود از «خود» همان حقیقت انسانی باشد، در این صورت موضوع انسان‌شناسی فلسفی خواهد بود .</p> <p>گزینه ۲: ماهیت تفکر به عنوان عالی‌ترین ویژگی انسان در منطق بررسی می‌شود و موضوع انسان‌شناسی فلسفی نیست.</p> <p>گزینه ۴: روان به عنوان منشاء احساسات و رفتارها، موضوع علم روان‌شناسی است .</p>

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: از نظر افلاطون، نفس با ارزش‌ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد. به عقیده افلاطون: «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است.» همچنین به عقیده افلاطون، نفس جزء عقلانی انسان است (نه جزئی از عقل او) که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیرفانی و جاوید است.»

گزینه ۳: دکارت می‌گوید انسان موجودی دارای دو بُعد روح و تن است؛ او نفس را غیرمادی می‌داند و بدن را ماشینی پیچیده می‌داند (نه کل انسان را) که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند. اما هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می‌کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می‌کند و می‌گفت افکار ما مانند بدن ما مادی است، چون افکار از نوعی ماده ساخته شده است. بنابراین هابز کل انسان را مادی می‌داند نه بخشی از انسان را.

گزینه ۴: داروینیست‌ها، که عقایدی نزدیک به ماتریالیست‌ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. از نظر آنان توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی مانند عدل، راست‌گویی و ... به این دلیل نیست که فضیلت‌گرایی در روح و فطرت او وجود دارد و او دارای روح است. بلکه دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی، این است که انسان‌ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده‌اند. مثلاً می‌گویند اگر انسان عدل را خوب و ظلم را بد می‌داند به‌خاطر این نیست که واقعاً عدل خوب است و ظلم واقعاً بد است، بلکه انسان چون به دنبال امنیت و حفظ خود و اموال خود بوده؛ و برای اینکه افراد مورد تهاجم هم قرار نگیرند این اصول اخلاقی (خوب بودن عدل و زشت بودن ظلم) را ابداع و قبول کرده‌اند و به مرور زمان این اصول ابداع شده جنبه همگانی و ضروری پیدا کرده‌اند.

پاسخ: گزینه ۴: پروانه و دوستش درحال تعریف ماهیت و حقیقت انسان هستند. ارسطو، حقیقت و ماهیت انسان را «حیوان ناطق» می‌دانست و پروانه با این تعریف حقیقت انسان، مخالف است و حقیقت انسان را موجودی اخلاقی تعریف می‌کند.

پاسخ: گزینه ۲: به عقیده دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. بنابراین تفسیر، توضیح تأثیر متقابل روح و جسم مشکل‌تر است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: از نظر ملاصدرا، روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند، به‌گونه‌ای که یکی (روح) باطن دیگری (بدن) است. بنابراین هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می‌شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می‌گذارد. پس در فلسفه ملاصدرا بحث تأثیر متقابل روح و جسم به این شکل بیان شده است که روح، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

گزینه ۳ و ۴: ماتریالیست‌ها دسته‌ای از فیلسوفان هستند که می‌گویند همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساحت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. داروینیست‌ها نیز که عقایدی نزدیک به ماتریالیست‌ها دارند. پس تأثیر متقابل روح و جسم در این دو مکتب مطرح نیست.

(( با تشکر از همراهی شما دوستان عزیز ))

(( علی طلائی ))